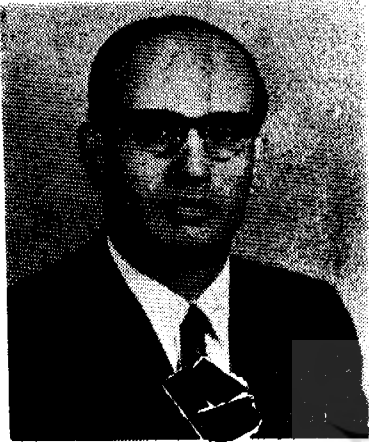


اسرار تاریخی کمیته مجازات



(۶)



عکس العمل قتل میرزا محسن مجتهد
در محافل سیاسی و افکار عمومی

پس از کشته شدن میرزا محسن مجتهد آن چنان رعب و وحشتی در افکار عمومی پدید آمده بود که روز تشییع جنازه او کمتر کسی حاضر بود که در مراسم مذکور پیشقدم گردد فقط مرحوم مستوفی الممالک با حسن شهرتی که داشت بخود جرأت داد منزل میرزا محسن رفته و سایر رجال و طبقات هم بوی تاسی بسته در حوضخانه منزل میرزا محسن اجتماع کرده و گرد جسد بیروح وی انگشت حیرت بدنشان گرفته و کسی را یارای صحبت نبود تا اینکه حاج آقا شیرازی سکوت را شکسته از مستوفی الممالک می پرسد : آقا تکلیف ما چیست ؟ و این سوال خود را چند بار تکرار می کند . بالاخره مستوفی الممالک در جواب حاج آقا شیرازی می گوید :

« ... بگذارید ببینم آیا جان سالم بمنزل خواهیم برد ؟ اگر سلامت بمنزل رسیدیم آنوقت برای شما هم فکری خواهیم کرد... »

دو روز بعد از طرف دولت مجلس ختم باشکوهی در مسجد شاه برگزار می شود که میرزا علی اکبر ارداقی از طرف کمیته مجازات مأمور می شود در جریان ختم حضور یافته و در صورت بروز حادثه ای ، کمیته را از جزئیات امر واقف نموده و در صدد رفع و علاج بر آید . میرزا علی اکبر ارداقی می گوید : « موقعی که وارد شبستان مسجد شاه شدم انبوهی از مردم را دیدم که در سکوت آمیخته در بهت و رعبی فرو رفته و هیچکس را یاری

می‌گویند پس از قتل میرزا محسن مجتهد ، اغلب رجال و زمامداران کمتر از خانه خود بیرون می‌آمدند و حتی در داخل منزل با احتیاط قدم بر می‌داشتند و گاه برخی از آنان در منزل با چادر نماز در حیاط حرکت می‌کردند که مبادا عوامل کمیته مجازات در آنجا مخفی شده و قصد جان آنها را کرده باشند در حالی که حقیقت غیر از این بود . یکی از رجال آن زمان برای نگارنده تعریف می‌کرد که روزی در فصل خزان در منزل وثوق الدوله در تجریش بودم ، از قیافه او وحشت و نگرانی زیادی بیچشم می‌خورد و گاه از صدای برگ درختان چنار که بزمین می‌افتاد به وحشت می‌افتاد و تصور می‌کرد کسی در پشت درختان انبوه باغ مخفی شده است .

با قتل میرزا محسن مجتهد ، کلیه اقدامات و تصمیمات دولت و نظمی در بوته اجمال ماند و اگر کسانی در فکر کشف و یا دستگیری کمیته بودند از تصمیم خود منصرف گردیدند ولی بر رویهم رفته مرگ یک نفر در لباس روحانیت در افکار عمومی اثر خوبی برجای نگذاشت و مردم را نسبت به کمیته بدبین ساخت و بدین ترتیب وثوق الدوله یکی از طرفداران پروپا قرص خود را از دست داد . مرحوم عبدالله مستوفی در کتاب ابطال الباطل صفحه ۳۶ در رد قرار داد ۱۹۱۹ خطاب به وثوق الدوله چنین می‌نویسد :

« ... آقای وثوق الدوله ، میرزا محسن مجتهد در حقیقت شهید تطهیر شما شد ، سید بیچاره را وارد اعمال سیاسی خود کردید و آنقدر ترغیب و تحریص کردید تا جان خود را در راه شما فدا کرد ... ما نمی‌خواهیم از ترور که در نزد عقل و شرع و وجدان مذموم و مطرود است دفاع و یا هواخواهی کنیم ولی یک حقیقت غیر قابل انکار را هم نمیتوانیم نادیده انگاریم ... »

« ... مؤسس کمیته مجازات که شما در بیانیه‌های خود همدستی بعضی از اعضای کابینه علاء السلطنه را یکی از مسائل مسلمة دانسته و به آنها تعبیر مینمائید همان سیئات اعمال خود در دوره ریاست وزرائی سابقان است و عملیات آن کمیته هم متوجه عموم نبود بلکه فقط اعوان و انصار شما را طرف حمله قرار داده بود ... »

« ... اگر فراموش نکرده باشید نمایش‌های این کمیته که از قتل میرزا اسماعیل خان رئیس انبار غله شروع و به قتل منتخب الدوله ختم شد از روز آخر ماه ذل ۱۲۹۵ تا سال اول اسد ۱۲۹۶ یعنی تقریباً پنج ماه بود . استعفای شما از ریاست وزرائی سابقان که بر اثر قتل معین السلطنه و یأس شما از پیدا کردن اعضای کمیته مجازات اتفاق افتاد در اواسط جوزای ۱۲۹۶ پس از تأسیس آن واقع شد و تاریخ گرفتاری اعضای این کمیته دو ماه و چند روز پس از تشکیل کابینه مرحوم علاء السلطنه و یازده ماه و نیم قبل از تشکیل دومین

کابینه شما روی داد . پس در زمان تأسیس کابینه دوم شما (اسد ۱۲۹۹) کمیته مجازات وجود نداشته و بنابر این شک نیست که اعضای این کمیته تا موقع ریاست وزرائی دوم شما به سیاست و مجازات نرسیده و در زندان نظیم بوده‌اند و شما آن را سیاست گردید ولی افتخار کشف و دستگیری اعضای کمیته مجازات و استنطاق و محاکمه آنها مربوط بکابینه علاءالسلطنه و مستوفی الممالک می باشد ... ،

شاید برخی از خوانندگان جوان که دسترسی بقرار داد ایران وانگلیس مورخ ۱۹۱۹ ندارند علاقمند باشند از مفاد آن که در زمان ریاست وزرائی وثوق الدوله تنظیم و تنسیق شده بود اطلاع حاصل نمایند ، از این رو موادی از قرارداد مذکور را برای مزید اطلاع خوانندگان درج میکنیم تا معلوم گردد علت مخالفت آزادیخواهان و افراد وطن پرست با مدلول قرار داد وثوق الدوله چه بوده است .

قرار داد ۱۹۱۹

موادی چند از قرارداد (۱۹۱۹) ایران وبریتانیای کبیر :

- ۱ - دولت انگلستان با قطعیت هرچه تمامتر ، تعهداتی را که مکرر در سابق برای احترام مطلق و استقلال و تمامیت ایران نموده است تکرار می نماید .
 - ۲ - دولت ایران خدمات هرعه مستشار و متخصص را که برای لزوم استخدام آنها در ادارات مختلف بین دولتمین توافق حاصل گردد بخرج ایران تهیه خواهد کرد .
 - ۳ - دولت انگلیس بخرج دولت ایران ، صاحب منصبان و ذخایر ومهمات جدید را برای تشکیل قوه متحدالشکل تهیه خواهد کرد ، تعداد ومقدار ضرورت صاحبمنصبان به توسط کمیسیونیه که از متخصصین ایرانی و انگلیسی تشکیل خواهد شد و احتیاجات دولت ایران را برای تشکیل قوه مزبور تشخیص خواهد داد معین خواهد نمود .
 - ۴ - برای تهیه وسایل نقدی لازم جهت اصلاحات مذکور در مواد ۲ و ۳ این قرار داد ، دولت انگلستان حاضر است قرضه کافی بدولت ایران بدهد . تضمینات این قرضه از عواید گمرکات و عایدات دیگری که در اختیار دولت ایران باشد تعیین خواهد شد .
 - ۵ - دولت انگلستان با تصدیق کامل ، احتیاجات فوری ایران را از نظر وسائل حمل و نقل وتوسعه تجارت با دولت ایران موافقت نموده که اقدامات مشترک راجع به احداث خطوط آهن بعمل آورد .
 - ۶ - درباب تضمین متخصصین برای امور گمرکی ، دولتمین توافق دارند ، کمیته ای که تعرفه گمرکی را مراجعه و تجدیدنظر می کند با منافع حقه مملکتی و توسعه وسائل ترقی آن تطبیق نماید .
- قرار داد فوق الذکر روز سیزدهم ذیقعد ۱۳۳۷ در جراید پایتخت منتشر گردید

در حالیکه حکومت نظامی تمام پایتخت را در تصرف داشت و کسی را یارای مخالفت نبود در اجتماعات که در منازل علماء و یا بصورت‌های دیگر تشکیل می‌شد افتخار هر نوع اظهار نظر سلب شده بود و اگر افرادی می‌خواستند با انتشار شب‌نامه‌هایی نظر خود را در مورد قرار داد ابراز کنند عاملین آن دستگیر و زندانی می‌شدند.

تقاضای تأمین جانی سردار معظم از کمیته مجازات

برای اینکه اثر قتل‌های کمیته مجازات مخصوصاً کشتن میرزا محسن مجتهد در آن زمان بهتر معلوم و مشهود گردد که تا چه اندازه باعث دلهره و وحشت رجال شده بود قسمتی از اعترافات بهادر السلطنه را که در بدو تشکیل کمیته با تنی چند از اعضای آن ارتباط داشت ذیلاً نقل می‌کنیم:

« ... اما در مسئله سردار معظم خراسانی (تیمور تاش) که با من هم دوست بود، بمن تلفن شد که او را در منزلش ملاقات کنم . موقعیکه وارد حیاط سردار معظم شدم پس از صرف چای تیری شلیک شد سردار از ترس جان خود باندرون فرار کرد ولی بعداً معلوم شد تیر از دست یکی از قراولها بخطا رفته و منظوری در بین نبوده است ، سردار معظم مجدداً به بیرون آمد و ضمن معذرت خواهی گفت: « خوب است فردا صبح بیاورید تا به هر جا مناسب باشد برویم و مذاکرات خود را شروع کنیم ، روز بعد به سلطنت آباد رفتیم و مدتی درباره کار کمیته مجازات و اقدامات آن به صحبت پرداختیم و بعد به شهر مراجعت کردیم .

چند روز از این مقدمه گذشت توسط یکی از دوستان سردار معظم پاکتی لاک شده بمن رسید که پس از باز کردن ملاحظه کردم نامه‌ای خطاب بکمیته مجازات در جوف پاکت قرار دارد که بصورت دوسیه‌ای (پرونده) بود و مبلغ سیصد تومان اسکناس هم ضمیمه این سوابق بود در این نامه سردار معظم ضمن تشریح سوابق خدمتی خود ، وجه مذکور را برای کمیته مجازات ارسال داشته و تقاضای تأمین کرده بوده که اجازه داده شود برای مدتی به هر جا که می‌خواهد برود...»

بهادر السلطنه می‌گوید :

« ... پول و نامه را بمنزل خود بردم و به ابوالفتح زاده که همانجا بود دادم و او گفت باید در کمیته مجازات مذکور و تصمیم لازم اتخاذ شود .

« پس از چندروز جواب نامه سردار معظم از طرف کمیته داده شد و عین سیصد تومان وجهی که ارسال شده بود برای سردار مسترد گردید و بوی تأمین داده شد .»

« روزی منشی زاده را در خارج دیدم ، بمن گفت سردار معظم خراسانی زمانی دشمن ما بود سیصد تومان فرستاد حالا که با ما دوست شده است باید بیش از اینها کمک و

مساعدت کند و باید بزودی از وی وجه قابل ملاحظه‌ای گرفته شود ... ،
 بهادر السلطنه می‌گوید : روزی که سردار معظم از من به صرف ناهار دعوت کرده بود به
 من گفت : « ... با اینکه کمیته مجازات به من تأمین داده است معهداً همه روز اشخاص
 غریب و عجیبی حول و حوش و جلو خانه من دیده می‌شوند ... »
 گفتم گمان نمی‌کنم این افراد از ناحیه کمیته مجازات مأوریتی داشته باشند حتماً
 از دستجات دیگری می‌باشند ، بنا به قولی ، حالا که دوست شده‌اید خیلی بجا خواهد بود
 به کمیته مجازات نیاز قابل ملاحظه‌ای مرحمت فرمائید . سردار معظم دوباره نامه‌ای خطاب
 به کمیته مجازات نوشته و همان سیصد تومان را که کمیته برگشت داده بود جوف پاکت
 گذارد که برای کمیته ارسال شود ولی بعداً شنیدم که سردار معظم خراسانی در بعضی جاها
 گفته بود که چهار هزار تومان دادم و از کمیته مجازات تأمین گرفتم که بی‌مأخذ و خلاف
 حقیقت بود و کمیته اصولاً سیصد تومان وجه ارسالی سردار معظم را نپذیرفت و برای او باز
 پس فرستاد ... »

بهادر السلطنه در مورد ارتباط خود با وثوق الدوله در اعترافات خود می‌گوید :
 « ... قبل از استعفای وثوق الدوله از ریاست وزرائی ، من هیچگاه بمنزل او
 نمی‌رفتم ولی در مسئله کنترول مالیه باوی مکاتبه داشتم و از افکار عامه که بهر نوع اطلاع
 حاصل می‌کردم ویرا مستحضر می‌ساختم که برخی امتیازات را به خارجی ها ندهد و از
 اینطریق منفور عامه واقع نشود . »

روزی پس از قتل میرزا اسمعیل خان رئیس انبار غله (روز قبلش وثوق الدوله
 استعفا داده بود) وسیله احمد علیخان مورخ الدوله (سهربر) وثوق الدوله بمن پیام داد که
 میل دارد او را ملاقات کنم باتفاق مورخ الدوله به منزلش رفتیم ، بعد از تعارفات لازم و معذرت
 خواهی علت استعفای خود را بیان داشت و من گفتم منکر مطالب شما نیستم خوب کرید
 استعفا دادید . وثوق الدوله گفت بملاحظه این که می‌خواهم گذشته را جبران کنم حاضر هستم
 در زمان بی‌کاری و معزولی یک لقمه نانی که داریم با هم بخوریم . »

چند روز که از این ماجرا و ملاقات گذشت پاکتی بعنوان من از طرف وثوق الدوله
 رسید که جوف آن سیصد تومان اسکناس به چشم می‌خورد . ضمناً بجامل نامه گفته بود که
 که هر چه زود تر برای ملاقات حضرت اشرف به شیران حرکت کنم ... »

بهادر السلطنه می‌گوید : « روزی ابوالفتح زاده بمنزل من آمد و برای مخارج
 کمیته از من کمک خواست و من بدون این که منبع کمک را بگویم عین سیصد تومان وجه
 اهدائی وثوق الدوله را بوی تسلیم نمودم . »

روزی برای معالجه خود بمنزل دکتر امیراعلم داماد وثوق الدوله رفتم و شنیدم

وثوق الدوله مريض ومبتلا بمرض قولنج بوده و با کسی ملاقات نمی کند. بوی گفتم از آنجائی که بشما ارادت دارم به منتخب الدوله برادر خودتان توصیه فرمائید مراقب خود باشد تا چشم زخمی بوی وارد نشود و دکتر امیر اعلم گفت ، منتخب الدوله که خیانتی نکرده است که مستوجب مجازات اعدام باشد . و من دیگر اصراری نکرده و گفتم محض دوستی با شما گفتم و خود دانید ... »

وحشت و وثوق الدوله از کمیته مجازات

بهادر السلطنه روزی وثوق الدوله رادر منزلش ملاقات می کند و در ملاقات سه ساعته وثوق الدوله از روزنامه ها و نویسندگان گله می کنند که چقدر هتاک هستند .

« ... من که وثوق الدوله هستم شخص شما را وکیل خود می کنم که با اولیای دولت و جراید بگوئید که به کمیته مجازات برسانند ، مرا ببرند و محاکمه کنند اگر خیانتم به ثبوت رسید مرا بدار بزنند پول دار و طناب دار را هم خودم می دهم و اگر کمیته مجازات باید اعدام کند پول موزر و فشنک را از خودم می دهم .

خدایم داند من آدم جیون و ترسوئی نیستم منتها عادم می آید کسی که خیانت نکرده بمنوان خائن کشته شود و یا جراید باین افتضاح اورا تعقیب نمایند . همینقدر میگویم از انصاف بدور است که درباره من این طور قضاوت کنند .

حالا شمارا زحمت می دهم نمی گویم شما با کمیته مجازات راه دارید یا خیر؟ ولی می پرسم تکلیف من چیست و چه باید بکنم ؟ ... »

بهادر السلطنه در پاسخ و وثوق الدوله می گوید :

« ... اولوجهی را که برای من فرستاده بودید مرا خجل و شرمسار فرمودید و اگر قبول نمی کردم تصور می کردید نمی خواهم بشما خدمتی انجام دهم و باین ملاحظه آن را قبول کردم ولی خدا می داند آن مبلغ رادر راه خدمتی که در باره شما انجام خواهم داد به مصرف رسانیده و هنوز در باره شما اظهاری نکرده ام و مشغول تدارک زمینه مناسبی می باشم ولی نظر باین که در پاره ای موارد بامن مشورت می کنید لذا صلاح می دانم که مدتی به مسافرت بروید که قضا یا بمرور ایام فراموش شود ،

وثوق الدوله در پاسخ بهادر السلطنه می گوید :

(... حالیه ممالک روسیه و اروپا در حال جنگ است ...)

بهادر السلطنه - خوبست بیک گوشه ایران مسافرت کنید .

وثوق الدوله - هرطور بگوئید بقول شما عمل می کنم مع هذا این راهی را که پیش

گرفته اید دنبال کنید و در همین عقیده باقی بمانید اگر نتیجه نگرفتید در ملاقات ثانوی

هرطور بگوئید تن به مسافرت خواهم داد ...

يك هفته از این مذاکرات و ملاقات گذشت روزی پاکتی از وثوق الدوله بدست بهادر السلطنه رسید که در آن نوشته شده بود :

« ... هر چه می‌خواهم بشما (بهادر السلطنه) خدمتی کنم شما آن را بمصارف خود من می‌رسانید ولی هر چه مخارج بکنید قرض آن بگردن من خواهد بود و اینکه برای کمک به عذقی که در پیش دارید مبلغ هشتصد تومان فرستاده می‌شود که بشما بد نگذرد البته رسید پاکت را مرقوم و عین نامه را نیز اعاده خواهید فرمود و نزد کسی هم از این منقوله صحبتی نخواهید کرد ... »

بهادر السلطنه رسید پاکت و عین نامه را برای وثوق الدوله عودت می‌دهد و وسیله حامل از محبتی که شده است از وثوق الدوله سپاسگزاری می‌کند ... »

در متن اعترافات اعضای کمیته مجازات در توضیحات شفاهی وثوق الدوله به زمان خان منشی نظامیه ، در مورد اظهارات بهادر السلطنه و اخذ وجه این طور بیان شده است :

(.. بهادر السلطنه در شب استعفای وثوق الدوله وسیله مورخ الدوله سپهر از نامبرده ملاقات می‌کند - چند روز پس از قتل میرزا محسن مجتهد مجدداً وثوق الدوله را ملاقات و انتساب خود را به کمیته مجازات اعلام و اظهار می‌دارد که من مشغول اقداماتی هستم که برای حضرت اشرف از کمیته مجازات تأمین بگیرم و وثوق الدوله چند روز بعد سیصد تومان برای بهادر السلطنه ارسال می‌دارد .

برای بار سوم بهادر السلطنه تقاضای ملاقات از وثوق الدوله می‌کند و وی به علت سوء ظن، متعذر بکسالت می‌شود و آقای دکتر امیر اعلم داماد خود را بایشان معرفی می‌کند که بعدها با ایشان ملاقات نماید ، روزی بهادر السلطنه نامه‌ای به دکتر امیر اعلم می‌نویسد سه بسته دارویی که فرستادید اثر بخشید لطفاً از همان دارو پنج بسته دیگر فوری بفرستید ... » منظور بهادر السلطنه از بسته دارو همان مبلغ سیصد تومان وجه ارسالی وثوق الدوله بوده که پنج برابر آن را مجدداً مطالبه می‌کرده است .

توصیه بهادر السلطنه به امیر اعلم دربارهٔ مسافرت وثوق الدوله باعث سوء ظن وی می‌شود و تصور می‌رود نامبرده قصد سوء استفاده و شانتاژ را دارد بدین جهت وثوق الدوله به توصیه‌ها و تذکرات بهادر السلطنه قومی نمی‌گذارد تا پس از چندی واقعه قتل منتخب الدوله وسیله کمیته مجازات روی می‌دهد که در جای خود شرح آن داده خواهد شد .

(ادامه دارد)